

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۹۴

وصول مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۸/۱۱

صفحات: ۷۰ - ۵۱

تحلیل فضای وابستگی و فضاهای پیوستگی منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس

دکتر یاشار ذکی^۱، دکتر علی ولیقلی‌زاده^۲، دکتر بهادر زارعی^۳

چکیده

منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس محصول کنش نظام‌های متعدد در مقیاس‌های فضایی مختلفی است که از آن به‌عنوان یکی از شش دروازه حیاتی ایران برای هم‌پیوندی اقتصاد محلی و ملی با اقتصاد جهانی نام می‌برند. به عبارتی، مسیر تحول این واحد تجاری - صنعتی به‌عنوان یک ساخت جغرافیایی توسط نظام‌هایی در حال هدایت است که آن را از درون (در مقیاس محلی) و بیرون (به‌واسطه اثرات سایر مقیاس‌های فضایی) سازمان می‌دهند، اگر چه در جایگاه یکی از عناصر ساختاری - کارکردی سازمان فضا تمایز یافته و محل آن در فضا معین شده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد ساخت‌یابی منطقه آزاد ارس در فضای وابستگی تحت‌الشعاع کارکرد سایر مراکز قدرت فضاهای پیوستگی است که در مقیاس‌های جغرافیایی وسیع‌تر نقش آفرین هستند. در واقع با توجه به آنچه که ذکر شد، پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در پی تبیین نمودن مقیاس‌های فضایی مؤثر در ساخت و نظام جغرافیایی منطقه آزاد ارس است که در همین خصوص، برای تحلیل وضع موجود از چارچوب مفهومی - نظری مقیاس‌های سه لایه جهانی، ملی و محلی مطرح در نظریه نظام‌های جهانی پیتر تیلور در پیوند با انواع فضاهای وابستگی و پیوستگی استفاده شده است؛ بنابراین، طبق نتایج این پژوهش مقیاس‌های فضایی مؤثر در روند تحولات منطقه آزاد ارس متعددتر از سطوح مقیاس‌های جغرافیایی سه گانه مطرح شده در نظریه نظام‌های جهانی است. در واقع علاوه بر فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد جهانی سرمایه‌داری در وسیع‌ترین مقیاس یعنی مقیاس جهانی، ایدئولوژی دولت - ملت در مقیاس ملی یعنی دیدگاه‌های کلان دولتمردان ایرانی و اثرات فضای وابستگی در مقیاس محلی یعنی موقعیت و محل استقرار منطقه آزاد ارس در جلفا، کنش دو مقیاس ناحیه‌ای (فروملی) شمال غرب ایران و نیز مزایا و تنگناهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در مقیاس منطقه‌ای (فراملی) در سازمان‌بندی فضایی منطقه آزاد ارس، دخیل و مؤثر هستند. کلید واژگان: فضای وابستگی، فضاهای پیوستگی، مقیاس‌های جغرافیایی، نظریه نظام‌های جهانی، منطقه آزاد ارس.

مقدمه

مناطق آزاد، نواحی جغرافیایی معینی در محدوده ملی هستند که کالاهای خارجی بدون پرداخت عوارض گمرکی و معاف از مقررات و محدودیت‌های گمرکی، برای صادرات مجدد وارد آنجا می‌شوند. موفقیت مناطق آزاد اگر چه مستلزم پرهیز از دخالت‌های سیاسی، لغو عوارض گمرکی، تخفیف مالیاتی، کاهش مقررات و استقلال عمل مناطق آزاد است، اما در مناطق آزاد هم ضمن اجرای آزادانه قوانین خاص - در بسیاری از موارد با جدیت و به صورت کاملاً مؤثر - منطقه مورد کنترل قرار دارد و به همان دقت موجود در بقیه نقاط اقتصاد ملی، این مناطق هم تابع مقررات قانونی و کنترل حاکمیت هستند (ولیفلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۷).

معمولاً ایجاد مناطق آزاد، از مهمترین ابزارهای توسعه اقتصادی است که در صورت موفقیت با دستاورد زیادی برای کشورهای به‌ویژه در حال توسعه همراه بوده است. بیشتر کارشناسان فلسفه وجودی، مناطق آزاد را در تأمین کمبودهای توسعه اقتصاد ملی، بهره‌گیری از مزایا، پتانسیل‌ها و برتری‌های نسبی اقتصاد ملی، برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی و پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی (شاکری و سلیمی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)، ورود به اقتصاد آزاد و بازارهای جهانی، جذب سرمایه خارجی، بسط تجارت خارجی، رونق صادرات، کسب درآمد ارزی، ایجاد فرصت‌های شغلی، توسعه ناحیه‌ای به‌ویژه توجه به نواحی محروم و رفع نابرابری‌های سرزمینی و انتقال تکنولوژی مدرن به داخل، تعریف می‌کنند. این مناطق با توجه به تأثیرات ماکرواقتصادی خود از پتانسیل نقش‌آفرینی در وزن ژئواکونومیکی دولت‌ها هم برخوردار هستند. در واقع نقش این مناطق در اتصال اقتصاد داخلی به اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی، بارزترین نقش ژئواکونومیکی این مناطق به شمار می‌رود. همچنین، نقش مناطق آزاد در همگرایی اقتصادی کشورهای مختلف، دارای پتانسیل ایجاد صلح و امنیت منطقه‌ای و تشکیل اتحادیه منطقه‌ای هم است (ولیفلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۵).

با این حال، آنچه که از آن بحث شد مستلزم بهره‌گیری مناطق آزاد از مزیت‌های نسبی (موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی و منابع انسانی) و مزیت‌های رقابتی (موقعیت ژئواکونومیکی) آنهاست. در واقع مزیت‌های نسبی به معنی اتکا بر قابلیت‌ها و امکانات سرزمینی و توان‌های داخلی است، اما مزیت‌های رقابتی به معنی مجموع راهبردهایی است که توانایی رقابت مناطق آزاد را به‌ویژه در صورت ضعف مزیت‌های نسبی افزایش داده و به طور نسبی این مزیت‌ها متأثر از عوامل بیرونی بوده و در تعامل با فضای بیرونی شکل می‌گیرند. با توجه به این وضعیت، مسیر تحول مناطق آزاد توسط نظام‌هایی در حال شکل‌گیری است که آن را از درون (فضای وابستگی) و بیرون (فضاهای پیوستگی) در مقیاس‌های مختلف فضایی سازمان می‌دهند.

این وضعیت درباره منطقه آزاد ارس هم صدق دارد. در واقع عملکرد منطقه آزاد ارس در ارتباط با مکان‌ها و فضاهایی است که دارای کنش متقابل هستند؛ بنابراین، منطقه آزاد ارس و جایگاه اقتصادی و تجاری ویژه آن را بایستی در مجموعه‌ای از فرآیندها و روابط فضایی وسیع‌تری بررسی کرد تا به تحلیل جامع از شرایط، ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن دست یافت. مسلماً چنین تحلیل دقیقی مستلزم کاربست مقیاس‌های فضایی و بیان عملکرد ملهم از سطوح چندگانه آن با نگرش سیستمی است تا اثرات مقیاس‌های جغرافیایی مهم، مؤثر و متداخل در ساخت‌یابی، آرایش فضایی و تحول‌پذیری جغرافیایی آن مورد بررسی قرار گیرد. در واقع این پژوهش در پی آن است که:

آیا ساخت جغرافیایی و کارکردی منطقه آزاد ارس را می‌توان به‌طور جامع با مقیاس‌های مطرح در نظریه نظام‌های جهانی تبیین نمود؟

چارچوب مفهومی و مبانی نظری پژوهش

الف) چارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به این که تبیین مبانی نظری مطرح در این پژوهش، مستلزم تبیین دقیق مفهوم مقیاس‌های

چندوجهی و فضایی پدیده‌ها مدنظر قرار می‌گیرد؛ بنابراین، تحلیل فرآیندهای مؤثر در فرم‌های مختلف فضایی به‌خصوص مناطق آزاد، مستلزم استفاده از سطوح مختلف مقیاس‌های جغرافیایی (میدان عمل فرآیندهای فضایی - اجتماعی) است. چرا که فرم‌های فضایی یا مکان‌ها به وسیله تلاقی پیچیده فرآیندهایی تولید می‌شوند که در سراسر مقیاس‌های جغرافیایی از سطح خرد محلی تا سطح کلان جهانی عمل می‌کنند (ذکی، ۱۳۸۸: ۲۸۶).

۲) فضاهاى وابستگی و پیوستگی: چنانچه

بپذیریم مکان‌های جغرافیایی (مانند منطقه آزاد ارس) ضمن منحصر به فرد بودن، محل تقاطع جریان‌ها و روابط متعدد با مقیاس‌های محلی تا جهانی بوده و در نتیجه مکان‌ها به خودی خود از مقیاس‌های متعددی برخوردارند (Massey, 1994: 154) و متقابلاً با سایر مکان‌ها از طریق مقیاس‌های جغرافیایی دارای ارتباط و همبستگی هستند؛ طبق اعتقاد کوین کاکس مباحث مربوط به روابط متقابل مکان‌ها و مقیاس‌های جغرافیایی را می‌توان در قالب مفهومی نوین و کاملاً جغرافیایی تحت عنوان فضای وابستگی و فضاهاى پیوستگی مطرح کرد.

در واقع فضاهاى وابستگی تا حدودی عرصه‌های ثابت محلی شده‌ای هستند که در داخل آن افراد دارای منافع اجتماعی، شغلی و تجاری نهادینه شده‌ای هستند (Jones, 1998: 25). چنین فضاهاى توسط روابط کم و بیش محلی شده اجتماعی تعریف می‌شوند که انسان‌ها برای تحقق بخشیدن به علایق اساسی خود به آنها وابسته بوده و هیچ کجا، جایگزین دیگری برای آنها وجود ندارد؛ این فضاها شرایط خاص مکانی را برای دستیابی به رفاه مادی و احساس ارزش و اعتبار معین می‌کنند. این فضاها در مجموعه گسترده‌ای از روابط با ویژگی‌های عمدتاً جهانی جای می‌گیرند (Cox, 1998: 2). اگر چه فضای وابستگی برای دولت محلی، حوزه سرزمینی و قلمرو قدرت آن است، اما برای سایر کارگزاران، چنین فضایی امکان دارد بازار کار، یک واحد اقتصادی محلی و یا هر واحد جغرافیایی

جغرافیایی و مفاهیم مرتبط با آن است؛ بنابراین، نخست چارچوب مفهومی پژوهش و در ادامه مبانی نظری تشریح می‌شود. در واقع تشریح مفهوم مقیاس‌های چندگانه فضایی، تقدم ذاتی نسبت به پایه نظری این بحث دارد؛ چرا که عامل قوام دهنده نظریه نظام‌های جهانی، مفهوم مقیاس‌های جغرافیایی است که در ادامه به صورت تفصیلی به آن پرداخته می‌شود.

۱) مقیاس‌های جغرافیایی: از مفاهیم اساسی

مطرح در تبیین و شناخت واقعیت‌های جغرافیایی سیاسی، مفهوم مقیاس‌های جغرافیایی است که بنیان مفهومی این پژوهش در چارچوب آن شکل گرفته است. در واقع اهمیت این موضوع بدین جهت است که از دید جغرافیایی برای فهم جامع سطح زمین به‌عنوان یک کل، در راستای تشریح الگوها و فرآیندهای سطح زمین سلسله‌ای از مقیاس‌های مختلف از محلی تا جهانی به کار برده می‌شود (Matthews and Herbert, 88: 2004). در این بین، اگر چه تجربه مکان از نظر مقیاس طیف‌های مختلفی را شامل می‌شود، اما در همه مقیاس‌ها، مکان‌ها موجودیت‌های کاملی هستند. با این وصف به‌رغم منحصر به فرد بودن مکان‌ها، آنها از سوی نظامی از تعاملات و انتقالات فضایی با هم متصل هستند؛ چرا که مکان‌ها بخشی از یک چارچوب «گردش» هستند (رلف، ۱۳۹۰: ۳ و ۱۶۲) و هویت فضایی هر مکانی (فضای مقیاس محلی) علاوه بر تجلی ذاتی در داخل مکان، در بستر روابط تقاطعی مقیاس‌ها یا همان روابط میان‌مقیاسی ساخته می‌شود (Howitt, 2002: 306). به عبارتی دیگر، مکان نقطه تلاقی روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعدد با مقیاس‌های فضایی محدود (محلی) و گسترده (جهانی) است (جونز و دیگران ۱۳۸۶: ۱۸۴)؛ بنابراین، مطابق این اصل، مقیاس تحت عنوان یکی از مفاهیم بنیادین جغرافیای سیاسی، پیوند دهنده واقعیت‌های فضایی و واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی بوده و به معنای سطح بازنمایی یا سطح تجزیه رخدادهای فرآیندهای جغرافیایی است (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۹: ۳۹). حال، با توجه به این که در جغرافیای سیاسی، ذاتاً هیئت

دیگر باشد. از این رو سیاست‌های محلی، برای هر نقطه فضایی خاص، نهادهای مختلف بی‌شماری را در برمی‌گیرند که هر کدام یک فضای وابستگی مختص به خود را به صورت ثابت در مقیاس‌های متفاوت دارا هستند. با این حال بازیگران محلی اعم از مردم، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی، گروه‌های مبارزاتی و غیره بایستی با سایر مراکز قدرت اجتماعی همچون دولت محلی، دولت ناحیه‌ای و دولت مرکزی، مؤسسات فراملی، رسانه‌های ملی و بین‌المللی و نظایر آن که در خارج از فضای وابستگی آنها موجودیت دارند در همکاری متقابل باشند که کاکس این روابط را تحت عنوان «فضاهای پیوستگی» تعریف می‌کند. از دیدگاه وی، فضاهای پیوستگی، شبکه‌ای است که به شکلی نامنظم در مقیاس‌ها و نواحی مختلف نفوذ می‌کند (Jones & Others, 2004: 104). به عبارتی فضاهای پیوستگی، آن سری از روابط است که به داخل فضاهای وابستگی امتداد می‌یابند. حتی فراتر از آنها بسط یافته تا شبکه‌های ارتباطی، مبادلاتی و سیاست را بسازد. در واقع فضاهای مزبور روابط را در عرصه وسیعی از نیروها و رویدادها می‌سازند (Cox, 1998: 3). این فضاها علاوه بر برقراری ارتباط میان فرآیندهای محلی و فراملی، ساختارهای اجتماعی مکان را به وجود آورده و به آنها انسجام می‌بخشند (Jones & Others, 2004: 104-5)؛ بنابراین، پیگیری سیاست‌های محلی در برخی موارد مستلزم ساخت فضاهای پیوستگی است که بازیگران خارج از آن مکان را در مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به فعالیت در چارچوب خود وادار می‌کند.

ب) مبانی نظری پژوهش

پیشنهاد تیلور درباره مقیاس‌های جغرافیایی و روابط میان آنها، چارچوب فراگیری است که مقیاس محلی را به مقیاس ملی و جهانی و برعکس مرتبط می‌سازد. بر این اساس، توجه بر سطوح مقیاس‌های جغرافیایی و تمرکز بر روابط و پیوستگی آنها چارچوب مفیدی برای الگوهای فضایی، ساختارهای فضایی و سیستم‌های فضایی فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که با این

رهیافت انسجام پیوستاری تمام مقیاس‌های جغرافیایی را می‌توان تعیین ماهیت و ارزیابی نمود. از این رو در مدل تیلور، مقیاس‌های سه‌گانه جغرافیایی نه تنها منفرد و مجزا از هم نیستند؛ بلکه آنها جریان‌ی هستند که در مقیاس‌های سه‌گانه‌ای ظهور و بروز کرده‌اند (Taylor, 2005: 162-65). این جغرافیدان سیاسی تلاش کرده است به دو هدف عمده درباره مقیاس دست یابد: هدف نخست استفاده نمودن از مقیاس جغرافیایی به‌عنوان اصل سازمان دهنده است؛ به نحوی که بر روابط میان مقیاس‌ها تأکید می‌گذارد و هدف دوم درصدد قرار دادن جغرافیای سیاسی در درون چارچوب اقتصاد سیاسی است که از لحاظ ماتریالیستی این چارچوب بر اقتصاد جهانی سرمایه‌داری استوار است و بنابراین اقتصاد سیاسی مقیاس را تبیین می‌کند (Taylor, 2005: 178). در واقع وی با تأسی به تئوری نظام‌های - جهانی والراشتاین از مدل سه سطحی مقیاس در ژئوپلیتیک حمایت کرده و مشخص می‌سازد که «اقتصاد - جهانی»، «دولت - ملت» و «مکان» سه مقیاس مهمی هستند که فرآیندهای اقتصاد جهانی در آنها متجلی هستند (Hewitt, 2008: 139). به عبارتی در این اعتقاد، سرمایه‌داری با استفاده از مقیاس‌های سه‌گانه عمده: اقتصاد جهانی سرمایه‌داری در مقیاس جهانی، ایدئولوژی دولت - ملت در مقیاس ملی، تجربه در شهر و روستا در مقیاس محلی توصیف می‌شود که در این بین لایه میانی یعنی مقیاس ایدئولوژی دولت - ملت، تجربه روزانه انسان‌ها در زندگی شهری را از واقعیت انباشت سرمایه در مقیاس جهانی، مجزا می‌سازد (Gregory, 1990: 419).

روش تحقیق

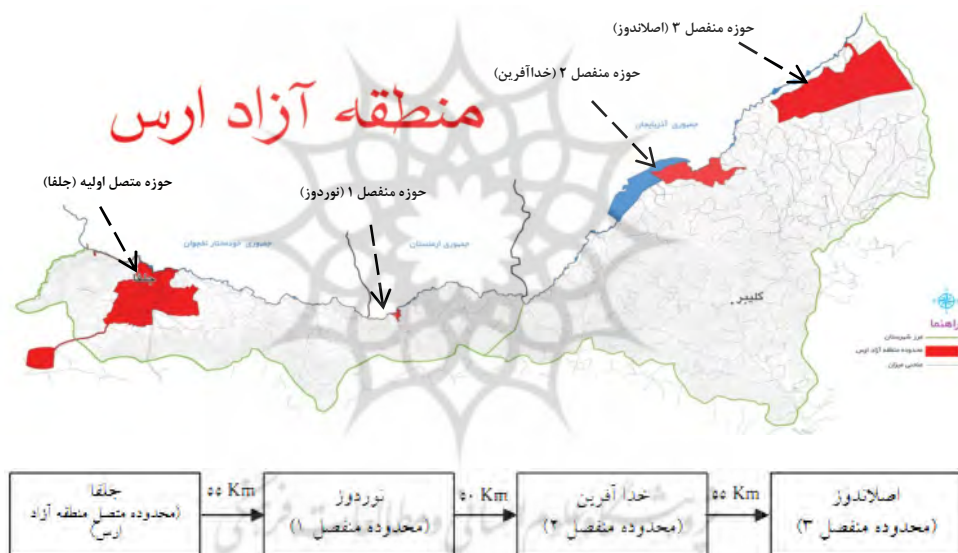
روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. با توجه به نوع مطالعه، رویکرد سیستمی ره یافت غالب بر روند پژوهش است؛ به بیان بهتر، با توجه به ویژگی سلسله‌مراتبی و پیوستگی سطوح مقیاس‌های جغرافیایی، ترجیحاً از نگرش سیستمی جهت درک عمیق تر روابط متقابل مکانی -

همچون مشاهده، مطالعات میدانی، مصاحبه و نقشه هم استفاده شده است.

محیط‌شناسی تحقیق

منطقه آزاد ارس در شمال غرب ایران در استان آذربایجان شرقی نخست به صورت محدوده‌ای واحدی با ۹۷۰۰ هکتار مساحت در سال ۱۳۸۳ در شهرستان جلفا شروع به کار نمود و بعدها در سال ۱۳۸۸ وسعت منطقه با انضمام سه واحد منفصل دیگر در شهرستان‌های جلفا و کلیبر به بیش از ۵۰ هزار هکتار افزایش یافت (شکل ۱ و نقشه ۱).

فضایی استفاده شده است. با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، داده‌های گردآوری شده از طریق استدلال قیاسی، با به‌کارگیری مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی پیتر تیلور و قیاس آن با مقیاس‌های جغرافیایی دخیل در ساخت فضایی منطقه آزاد ارس و تشخیص وجوه اشتراک و افتراق آن دو (نظریه و منطقه آزاد) مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. در این میان، شیوه گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی اعم از کتب، مجله‌ها و نشریه‌ها، جستجوی اینترنتی و اسناد منتشره در ارتباط با چارچوب تحقیق است. ضمناً، از ابزارها و تکنیک‌هایی



نقشه و شکل ۱: حوزه متصل (اولیه) و حوزه‌های منفصل منطقه آزاد ارس

منبع: سایت منطقه آزاد ارس

جغرافیایی مختص منطقه آزاد دارای یک سری ارزش‌های جغرافیایی ساختاری و کارکردی با ماهیت دوگانه مثبت و منفی است که این ارزش‌ها عموماً خالق فرصت‌ها و گاهی محدودیت‌های خاص برای بازیگران نقش‌آفرین در آن هستند و در واقع می‌توان این اختصاصات فضای وابستگی را در دو شکل پتانسیل‌ها جغرافیایی و تنگناهای محیطی مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

پتانسیل‌های جغرافیایی فضای وابستگی: منطقه آزاد ارس و شهر جلفا به‌عنوان محدوده اولیه و متصل

داده‌ها و یافته‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش، تحولات منطقه آزاد ارس در فضاهاى وابستگی و پیوستگی در چارچوب مقیاس‌های محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی به صورت ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تحلیل فضای وابستگی منطقه آزاد ارس (مقیاس محلی)

فضای وابستگی منطقه آزاد ارس یا همان مقیاس محلی آن، بخش ثابت محلی است که قوانین ویژه منطقه آزاد در داخل آن به اجرا در می‌آید. این بستر

ارتباطی بین‌المللی را از شرق و غرب فراهم ساخته و آنها را به هم پیوند می‌دهد. همین ویژگی و پتانسیل ارتباطی - مواصلاتی منطقه از حیث ظرفیت‌سازی و ایجاد قابلیت بهره‌مندی کل محدوده از ظرفیت‌های جغرافیایی خود برای ایفای نقش و وظایف لازم در الگوی ارتقای سرزمینی، بسیار مناسب است. طوری که از منظر جغرافیایی - اقتصادی، منطقه آزاد ارس در شمال غرب ایران، دروازه ورودی و ارتباطی ایران با قفقاز جنوبی و حوزه CIS به شمار می‌رود.

همچنین، تحلیل دقیق فضای وابستگی منطقه آزاد ارس نشان دهنده ارزش‌های جغرافیایی ویژه در این منطقه است که شعاع عملکردی منطقه آزاد ارس کاملاً در مقیاس‌های مختلف فضایی در آنها نهفته است.

آن در دهانه یک دره و دالانی در شمال غربی ایران واقع شده که این دالان برای ارتباط با کشورهای قفقاز جنوبی دست کم در این ناحیه از ایران مشابهی ندارد. به عبارت دیگر می‌توان این دره و دالان را یک تنگه استراتژیک منحصر به فرد برای دسترسی آسان و متقابل بین هسته تاریخی - اقتصادی تبریز در شمال غرب ایران و قفقاز جنوبی برشمرد. از این منظر منطقه آزاد ارس در بهترین نقطه جغرافیایی شمال غرب ایران برای دسترسی به قفقاز جنوبی قرار دارد. به عبارتی دقیق، موقعیت مکانی منطقه آزاد ارس در امکان برقراری ارتباط مستقیم با همسایگان شمالی ایران و از آن طریق با سایر مناطق در پهنه‌ای وسیع‌تر از پسرکانه‌های مستقیم آن، امکان ارتباط‌گیری با خطوط

جدول ۱. مهمترین ارزش‌های جغرافیایی فضای پیوستگی منطقه آزاد ارس

نخستین ارزش جغرافیایی این منطقه اتصال با پیکره قلمرو سرزمینی ایران است که برخلاف موقعیت موجود در جزایر کیش و قشم است.
موقعیت ویژه جغرافیایی - اقتصادی منطقه آزاد ارس برای ارتباط مستقیم با آذربایجان، ارمنستان و نخجوان و ترکیه، گرجستان، روسیه و سایر اعضای CIS به صورت غیرمستقیم.
موقعیت و ظرفیت‌های مناسب منطقه آزاد ارس جهت استفاده از امکانات پسرکانه سرزمین اصلی در حوزه حمل و نقل ریلی، زمینی و ترانزیت.
این منطقه نزدیک‌ترین منطقه آزاد ایران به بازارهای اقتصادی اروپا و تنها منطقه آزاد ایران همراه با مرز زمینی فعال با یک کشور خارجی است.
قرارگیری منطقه آزاد ارس در گستره جغرافیایی کریدورهای ارتباطی شمال - جنوب و شرق - غرب مهمترین مزیت ژئواکونومیک آن به شمار می‌آید که از این طریق می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی و حلقه اتصال اقتصاد داخلی با اقتصاد واحدهای سیاسی پیرامونی ایفای نقش نماید.
با توجه به موقعیت ترانزیتی - اقتصادی و پیشینه تاریخی جلفا در حوزه تجارت با بازارهای بین‌المللی، منطقه آزاد ارس از پتانسیل‌ها و زیرساخت‌های خوبی در جلفا بویژه مزیت‌های ترانزیتی و فضاهای موجود برای انبار و نگاهداری کالاهای صادراتی و وارداتی بهره می‌برد
منطقه آزاد ارس نزدیک‌ترین منطقه آزاد تجاری - صنعتی به شهرهای صنعتی در بین مناطق آزاد ایران است
منطقه آزاد ارس بخاطر وجود زمین‌های غنی کشاورزی دشت‌های گردیان و گلرغ همراه با بهره‌برداری از آب ارس و استفاده از سیستم‌های آبیاری مکانیزه از پتانسیل ارتقای سرزمینی بالایی برخوردار است
مکان‌یابی بهینه منطقه آزاد ارس از نظر اتصال با بازارهای داخلی و بین‌المللی، قرارگیری در محور کریدورهای بین‌المللی، وجود تأسیسات و شبکه حمل و نقل نسبتاً پیشرفته (ریلی، جاده‌ای و هوایی)، و وجود فضای جغرافیایی مناسب برای انواع متعدد فعالیت و کاربری‌های (خدماتی، صنعتی، تجاری و کشاورزی).
همکاری دانشگاه‌های تهران، تبریز، علوم پزشکی تبریز و پیام نور در ایجاد پردیس بین‌المللی ارس در راستای تحقق بخشی از مأموریت سند راهبردی ارس برای ایجاد قطب علمی و پژوهشی در شمال‌غرب ایران.
وجود آب شیرین رودخانه ارس پتانسیل ویژه‌ای است که همراه با رونق کشاورزی حوزه ارس و ایجاد شرایط لازم برای فعالیت اقتصادی (صنایع مرتبط با محصولات دریایی)، ورزش‌ها و تفریحات آبی، ارتقای توریسم در سواحل ارس، در عین حال، هیدروپلیتیک مثبت آن پیش نیازهای ژئوپلیتیکی لازم برای همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه مرزی را فراهم آورده است.

منبع: یافته‌های نگارندگان

حوزه‌های نفوذ اقتصادی خود (حتی سواحل دریا‌های آزاد) کاملاً متکی به شبکه‌های ارتباطی زمینی (خط آهن و جاده) و در صورت امکان خطوط هوایی است (شناخت وضعیت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۷: ۱۴۱)؛

- محدودیت‌های قانونی برای توسعه کالبدی در بخش زیادی از منطقه مصوب اولیه (محدوده متصل در

تنگناهای محیطی فضای وابستگی: فضای وابستگی منطقه آزاد ارس علاوه بر پتانسیل‌ها و ارزش‌های جغرافیایی، دارای تنگناهای محیطی نیز است که مهمترین آنها به شرح زیر است:

- منطقه آزاد ارس دارای موقعیت جغرافیایی محصور در خشکی است و در نتیجه دارای ارتباط مستقیم با سطح آب‌های آزاد نیست. به‌خاطر همین محدودیت جغرافیایی، برای ارتباط و تعامل با

اثرات مثبت مقیاس ناحیه‌ای: موقعیت راهبردی

آذربایجان شرقی پتانسیل بسیار قوی برای منطقه آزاد ارس است تا آنجا که فراهم بودن پیشینه‌های متنوع بر فعالیت اقتصادی و صنعتی از جمله مزایای این محدوده محسوب می‌شود. این استان با دارا بودن حدود ۷۰۰۰ واحد صنعتی متفاوت و پتانسیل تولید ویژه در حوزه فرش، کشاورزی، معدن، صنعت و برخورداری از بازارهای چهارگانه اقتصادی تبریز (بازار پول، سرمایه، کار و کالاها و خدمات)، امکان استفاده از نمایشگاه بین‌المللی تجاری و صنعتی تبریز و نیز بازار بورس اوراق بهادار این شهر که همگی از مهمترین مزیت‌های اختصاصی فضای پیوستگی منطقه آزاد ارس در مقیاس ناحیه‌ای هستند، با استفاده از دروازه ارتباطی جلفا فعالیت‌های اقتصادی خود را در مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی و فراملی پیگیری می‌کند. همچنین وجود نیروی انسانی ماهر و متخصص در حوزه آذربایجان مورد مهم دیگری است که می‌توان با پشتوانه آن به توسعه منطقه آزاد ارس امیدوار بود.

همچنین، در سطح آذربایجان معادن قابل توجهی وجود دارد که بخش قابل توجه این معادن را معادن مس، طلا، نقره، آلومینیم، آهن و بخش مهم دیگر آن را معادن سنگ‌های ساختمانی، تزئینی، شن و ماسه، میکا و کائولن تشکیل می‌دهد (اکبرزاده، ۱۳۷۲: ۱۰۲۹). در واقع وجود این منابع مهم در فضای پیوستگی منطقه آزاد ارس همراه با دسترسی مطمئن مزیت ویژه‌ای برای ایجاد صنایع پایین دستی و انجام فعالیت‌های راهبردی در این حوزه تجاری - صنعتی محسوب می‌شود.

جلفا) به دلایل مناسب بودن این زمین‌ها برای کاربری کشاورزی؛

- موانع زیست‌محیطی برای توسعه فیزیکی و فعالیت منطقه در محدوده متصل منطقه آزاد، از جمله پناهگاه حیات وحش کیامکی و منطقه حفاظت شده مراکان. به عبارتی همپوشی محدوده‌های تحت حفاظت حیات وحش در غرب - شرق منطقه آزاد ارس، موانع زیادی برای انواع فعالیت‌های انسانی بویژه استقرار صنایع و فعالیت‌های صنعتی پدید می‌آورد (خلیلی، ۱۳۸۷: ۵۴).

تحلیل فضاهاى پیوستگی منطقه آزاد ارس (مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی و جهانی)

منطقه آزاد ارس به‌عنوان یک واحد فضایی - اقتصادی با سایر فضاهاى جغرافیایی یا مراکز قدرت اجتماعی - اقتصادی در ارتباط متقابل و دائمی است که حاصل این ارتباط متقابل، ظهور فضاهاى وابستگی است. فضاهاى که در خارج از ساخت جغرافیایی و فضای پیوستگی منطقه آزاد ارس در قالب مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و جهانی بر تحولات آن تأثیر می‌گذارند.

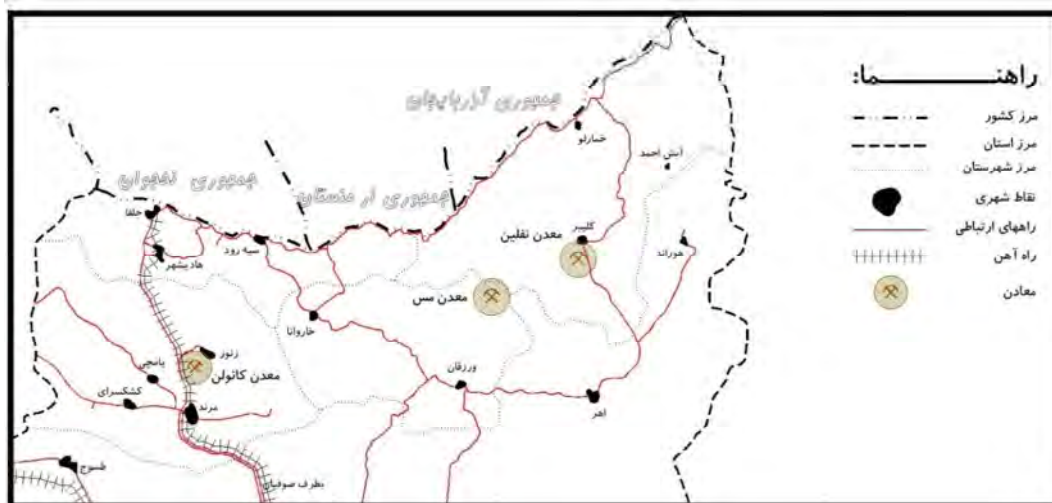
تحلیل فضای پیوستگی - مقیاس ناحیه‌ای

یکی از سطوح فضاهاى پیوستگی منطقه آزاد ارس، مقیاس ناحیه‌ای و کاملاً راهبردی شمال غرب ایران یعنی ناحیه آذربایجان به‌ویژه استان آذربایجان شرقی است که تحولات منطقه آزاد ارس در مقیاس محلی و ناحیه‌ای ارتباط مستقیمی با ارزش‌های محیطی و دورنمای آمایشی - ناحیه‌ای آذربایجان در طرح‌های فرادستی به تصویب رسیده دارد.

جدول ۲. قابلیت‌های عمده بخش معدن در ناحیه شمال غرب ایران و استان آذربایجان شرقی

حدود ۱۱ درصد از ذخایر قطعی معادن ایران در ناحیه شمال غرب قرار دارد.
ناحیه شمال غرب ایران دارای رتبه سوم بین نواحی نه گانه ایران از نظر ذخایر معدنی است.
ناحیه شمال غرب ایران دارای سهم ۵/۹ درصدی ارزش تولیدات معدنی ایران است.
۴۵ درصد از ذخیره قطعی معادن ناحیه شمال غرب ایران و رتبه اول این حوزه مختص استان آذربایجان شرقی است.
در استان آذربایجان شرقی بیش از ۱۰۰ معدن فعال وجود دارد.
معدن عظیم مس سونگون ورزقان بر روی کمر بند جهانی مس قرار دارد.

منبع: طرح پایه آمایش استان آذربایجان شرقی (جلد پنجم)، ۱۳۸۴: ۵۰.



نقشه ۲. موقعیت جغرافیایی معادن مهم در فضای پیوستگی منطقه آزاد ارس

منبع: طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۷: ۴۵

جدول ۳. مهمترین معادن قابل دسترس و قابل توجه برای منطقه آزاد ارس در ناحیه استان آذربایجان شرقی

سولگون معادن مس	معادن عظیم مس سولگون بر روی کمر بند جهانی مس در محور هریس - اهر - ورزقان - شمال مرند و جنوب جلفا واقع شده است. این معدن یکی از سه منطقه بزرگ مس دنیا به شمار می‌رود. در این منطقه بیش از ۲۰ معدن شناخته شده مس و ۱۰ پتانسیل طلا وجود دارد. این رگه معدنی آنچنان مهم است که گاه آذربایجان شرقی را با دارنده اصلی ذخایر مس جهان یعنی شیلی مقایسه می‌کنند (هاشمی، ۱۳۷۲: ۹۹۹).
معادن فسفات سینیت	استان آذربایجان شرقی از نظر وجود توده‌های متعدد نفلین سینیت به‌عنوان ماده اولیه صنایع آلومینیوم، شیشه - سرامیک، پلاستیک، کائوچو، سیمان، کربنات‌های سدیم و پتاسیم، فسفات، پشم شیشه، کود شیمیایی و بالاخره صنایع تزئینی موقعیت ممتازی در ایران دارد (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۰۰۰) و در همین خصوص در کلیبر معدن عظیم نفلین سینیت که ذخیره معدنی آن میلیاردها تن برآورد گردیده وجود دارد. این معدن در سطح دنیا کم نظیر است (اکبرزاده، ۱۳۷۲: ۱۰۳۳).
معادن کائولن زئیر	بزرگ‌ترین معدن کائولن استان آذربایجان شرقی با نام معدن کائولن زئیر و با ذخیره قطعی ۵۲ میلیون تن در شهرستان مرند واقع شده است. بخاطر نزدیکی این معدن به جاده مرند - جلفا و راه آهن این مسیر، منطقه آزاد ارس از قابلیت دسترسی مناسبی به این منابع معدنی برخوردار است (طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، ۱۳۸۷: ۴۵).

استان، وجود نیروگاه‌های برق در استان و شبکه‌های توزیع و انتقال برق، فعالیت پالایشگاه تبریز و شبکه‌های انتقال نفت و گاز طبیعی، وجود صنعت بالادست پتروشیمی تبریز، همسایگی با کشورهای خارجی، برخورداری از منابع طبیعی، اقلیم مستعد و خاک حاصلخیز کشاورزی، وجود شهرک‌ها و نواحی صنعتی در نقاط مختلف استان آذربایجان شرقی، برخورداری از مواد اولیه برای توسعه صنایع تبدیلی، وجود نیروی کار ارزان، دسترسی به انرژی مصرفی ارزان و منابع تولیدی نظیر آب، برق، گاز و غیره، مطرح بودن به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی ایران به لحاظ

در عین حال، دیگر ظرفیت‌های فضای پیوستگی ناحیه‌ای در راستای ارتقای فضایی - اقتصادی منطقه آزاد ارس را می‌توان در برخورداری استان آذربایجان شرقی از شبکه‌های وسیع حمل و نقل جاده‌ای، راه آهن و فرودگاه بین‌المللی تبریز، وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، مؤسسات تحقیقات صنعتی تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص، وجود مرکز خدمات سرمایه‌گذاری و مرکز خدمات صادرات در استان، وجود نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی و صنعتی استان، برخورداری از سیلوها، انبارها و سردخانه‌های مناسب، وجود پنج مرکز گمرک در داخل محدوده

ایجاد منطقه آزاد ماکو و منطقه ویژه اقتصادی سلماس در محدوده سرزمینی آذربایجان غربی از فضای پیوستگی - ناحیه‌ای ارس باعث خروج سرمایه‌گذاران ترک و تضعیف مناسبات اقتصادی منطقه آزاد ارس با بازار ۷۵ میلیونی ترکیه (یکی از کشورهای هدف ارس) به نفع منطقه آزاد ماکو خواهد بود.

در عین حال، ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سهلان در پایانه گمرکی سهلان (تصویب در اواخر ۱۳۸۷ در دور دوم سفر استانی ریاست جمهوری (دیرنگ، ۱۳۸۸: ۲)، به خاطر وجود زیرساخت‌های قوی و نسبتاً فراوان و همچنین مجاورت با قطب صنعتی تبریز، فرودگاه، راه آهن، بازار مصرف و امتیازات دیگر؛ یعنی تأسیس و ازدیاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی در محدوده شمال غرب ایران و در نهایت یعنی انقباض در محدوده نقش - آفرینی منطقه آزاد ارس در فضای پیوستگی - ناحیه‌ای.

تحلیل فضای پیوستگی - مقیاس ملی

کارکرد ویژه مناطق آزاد بر مبنای الگوهای مناطق آزاد موفق در دنیا جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صادرات و صادرات مجدد تعریف شده است. در واقع ایده نخست تشکیل مناطق آزاد در ایران نیز بر اساس همین نظریه طرح‌ریزی شد. آرمان اصلی دولت ایران این بود که با ایجاد و توسعه چنین مناطقی، ضمن ارتباط عمیق با اقتصاد پویای جهانی، بتوان از آنها به‌عنوان یک خط مشی سریع و راهی میانبر برای تحقق اهدافی چون جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و صنعتی شدن سریع در راستای توسعه صادرات غیرنفتی استفاده برد. در واقع از منظر اقتصاد سیاسی، مناطق آزاد ایران با رسالت ملی - بین‌المللی و با هدف آرمانی رهایی از اقتصاد تک محصولی نفت ایجاد شدند. به عبارتی، فلسفه تأسیس مناطق آزاد تجاری - صنعتی در ایران و از دلایل مهم ایجاد آن، ضربه‌پذیر بودن اقتصاد ایران از طرف صادرات انحصاری نفت بود. این موضوع مستلزم جایگزینی اقتصاد سنتی از طریق ارتقای صادرات غیرنفتی با اقتصاد پویا و کارآمدی بود

تمرکز صنایع سنگین تولید ماشین آلات و تجهیزات صنایع دارویی، غذایی، نساجی و غیره خلاصه کرد.

حال، با توجه به ظرفیت‌های فضای پیوستگی - ناحیه‌ای منطقه آزاد ارس، در واقع همزمان با منتفع بودن منطقه آزاد ارس از این ظرفیت‌ها، به خاطر وجود چنین ظرفیت‌هایی، فعالیت منطقه آزاد ارس در آذربایجان و شمال غرب ایران فرصت کاملاً مناسبی برای احیای اهمیت جغرافیایی - اقتصادی و ارتقای سرزمینی آذربایجان و در نهایت نقش‌آفرینی منطقه آزاد ارس در مقام سکوی صادراتی شمال غرب ایران و به‌ویژه موتور محرک اقتصاد آذربایجان شرقی است.

اثرات منفی مقیاس ناحیه‌ای: از مهمترین تنگناها یا

چالش‌های درون استانی و منشعب از مقیاس ناحیه‌ای، رقابت بخش‌های اقتصادی دیگر همچون شهرک ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در آذربایجان شرقی است. به‌خاطر موقعیت این شهرک در ۱۵ کیلومتری شمال غربی بزرگراه تبریز - مرند و نزدیکی آن به فرودگاه بین‌المللی تبریز رقابت کاملاً نابرابری به زیان منطقه آزاد ارس شکل می‌گیرد. به عبارتی به‌رغم عدم معافیت مالیاتی و معافیت عوارض گمرکی، به‌خاطر دسترسی آسان این شهرک به قطب صنعتی تبریز، تمایل چندانی برای دور شدن سرمایه از تبریز تا مسافت ۱۳۷ کیلومتری در ناحیه صفر مرزی جلفا وجود ندارد.

دیگر چالش منشعب از فضای پیوستگی - ناحیه‌ای منطقه آزاد ارس، ایجاد منطقه آزاد ماکو و مناطق ویژه اقتصادی سهلان در مجاورت تبریز و سلماس در آذربایجان غربی است که به‌خاطر نوع ساختار اقتصادی ایران، قطعاً ایجاد چنین فضاهاهایی با اثرات منفی و رکود آفرین در توان ارتقای سرزمینی منطقه آزاد ارس همراه خواهد بود. به عبارتی، وجود چنین مناطقی در فضای پیوستگی - ناحیه‌ای سبب تضعیف مزیت‌های نسبی منطقه آزاد ارس می‌شود و نهایتاً این منطقه را در رسیدن به اهداف نخست و اجرای ماموریت‌های خود ضعیف و ناتوان و در طی زمان منطقه آزاد ارس را از مزیت‌ها و قابلیت‌هایش تهی خواهد ساخت. در واقع

اثرات مثبت مقیاس ملی

- جایگاه راهبردی مناطق آزاد ایران در بستر

اقتصاد ملی: از مهمترین مباحث نقش‌آفرین مقیاس ملی در کارکرد مناطق آزاد، دورنمای کلی اقتصاد ملی است. از این لحاظ دولت ایران برخلاف مشکلات و تنگناهای عمیق ساختاری (تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و سرمایه‌گذاری) اقتصاد ملی ایران و اثرات نامطلوب آن بر کارکرد مناطق آزاد، راهبردهایی را در قالب برنامه‌های توسعه دنبال کرده است که در بررسی این راهبردها می‌توان به ترسیم نقش بالقوه از مناطق آزاد در استفاده از مزیت‌های نسبی و اصلاح نقاط ضعف اقتصاد ملی و جایگاه آن در دورنمای آتی اقتصاد پرداخت.

که برای این منظور دولت ایران راهبرد اقتصادی ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی را در پیش گرفت.

با این حال، تجربه ایجاد مناطق آزاد در ایران به‌ویژه منطقه آزاد ارس نشان دهنده این است که کارکرد این مناطق در ایران تا حد زیادی معلول کنش‌های مقیاس ملی و خطمشی‌های مقیاس دولت - ملت است؛ بنابراین، آنچه مسلم است این است که فضای وابستگی منطقه آزاد ارس به شدت تحت‌الشعاع فضای پیوستگی مقیاس ملی است و خطوط کلی توسعه، طرح‌ها، راهبردهای متعدد، و به‌طور کلی دورنمای ارتقای منطقه آزاد ارس غالباً در بیرون از فضای وابستگی یعنی در مرکز سیاسی و از طریق خطمشی‌های دولت ملی تعیین می‌شود. حتی بخشی از کارکردهای منطقه آزاد ارس در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی هم متأثر از سیاست‌های دولت ملی است.

جدول ۴. جایگاه مناطق آزاد ایران در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۳)	دولت مجوز ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در سه نقطه از نقاط مرزی دریافت کرد. این برنامه یکی از داده‌های رشد اقتصادی را ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی جهت استقرار صنایع تولیدی محصولات صادراتی و جذب سرمایه برای این صنایع بیان داشته است.
برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد به‌عنوان یکی از راه‌های کاهش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در این برنامه عنوان شده است.
برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	به دلیل نبود استراتژی توسعه صنعتی در زمان تدوین برنامه سوم، جهت‌گیری‌های توسعه صنعتی تعریف مشخصی نداشت و عملکرد مناطق آزاد تجاری - صنعتی در این برنامه از هدف‌های پیش‌بینی شده بسیار دور بود.
برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۹)	در بندهایی از ماده‌های ۳۳ و ۲۵ این برنامه با تأکید بر اعمال مدیریت واحد، ایجاد رشد اقتصادی مناسب در مناطق آزاد، تمکین دستگاه‌های دولتی از سازمان‌های مناطق آزاد، هماهنگی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی با سازمان‌های مناطق آزاد، معاف بودن مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج و دیگر مناطق آزاد از تمام حقوق ورودی، عوارض و مالیات، گسترش ارتباطات علمی با مراکز آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی و داخلی و الزام دولت به اصلاح و بازنگری در قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری - صنعتی (صلاحی، ۱۳۸۷: ۴)، توجه خاصی به مناطق آزاد وجود دارد. در واقع بلحاظ سیاست‌های کلی و کلان، دورنمای برنامه چهارم مبتنی بر برقراری تعامل مناسب اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است. مطابق این برنامه، مناطق آزاد فرصتی استثنایی است که می‌توان با بهره‌گیری از مزیت‌های بالقوه و بالفعل آنها برای رشد اقتصادی و رفع نارسایی‌ها و مشکلات موجود گام‌های محکمی برداشت.

منبع: طرح تفصیلی منطقه آزاد ارس (جلد ۱)، ۱۳۸۸: ۱۰

جریان اصلی در سرزمین مادر و نهایتاً امکان بقا و پیشرفت در این مناطق دل بست. معمولاً در چنین شرایط دوگانه‌ای در اقتصاد ملی، سرمایه‌گذاران خارجی به وضعیت موجود خوش‌بین نبوده و آن را نشان عدم تعهد کامل دولت‌ها به سیستم اقتصاد آزاد تلقی کرده و نسبت به دورنمای سرمایه‌گذاری در چنین مکان‌هایی بی‌اعتماد هستند.

همچنان که مشاهده می‌شود، راهبرد برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه ایران، ارتقای سطح صادرات بود. جهت‌گیری برنامه چهارم توسعه هم همین‌گونه است و بیانگر برون‌گرایی اقتصادی است. قطعاً این راهبرد، مستلزم اقتصاد بازار آزاد بر مبنای آزادسازی اقتصادی و ارتباط با بازارهای جهانی است؛ بنابراین، اگر اقتصاد ملی فاقد ویژگی‌های اقتصاد باز آزاد باشد، نمی‌توان بر متفاوت بودن الگوی اقتصاد مناطق آزاد با

اما، در واقع برخلاف چنین وضعیت چالش‌زایی برای مناطق آزاد ایران، دولت ایران در قالب برنامه‌های توسعه با استفاده از معافیت‌های مالیاتی و تجاری و رفع محدودیت‌ها و موانع قانونی در مناطق آزاد در پی ارتقای صادرات غیرنفتی است. این بحث در متن برنامه چهارم توسعه به صورت نقطه عطفی در تاریخ مناطق آزاد ایران، با تأکید بر اصلاح و بازنگری قوانین صادرات و واردات و قانون امور گمرکی در مناطق آزاد مورد توجه قرار گرفته است.

فرصت‌های تعامل منطقه آزاد ارس با دیگر مناطق آزاد ایران: بر طبق استراتژی‌های مهم منطقه آزاد ارس، داشتن ترتیبات همکاری، یکپارچگی، تعامل و هم‌افزایی با دیگر مناطق آزاد ایران زمینه را برای ایجاد ارتباطات سازمان یافته، همکاری‌های موردی و تبادل تجربه با دیگر مناطق آزاد ایران فراهم می‌نماید. این تعاملات برای منطقه آزاد ارس در سطح ملی با دیگر مناطق آزاد ایران در زمینه‌های متعددی که در جدول زیر اشاره شده است، می‌تواند شکل بگیرد:

جدول ۵. تعاملات محتمل منطقه آزاد ارس با دیگر مناطق آزاد ایران

نام مناطق آزاد	نوع تعاملات	
کیش - ارس	وجود جاذبه‌های گردشگری و نقش‌آفرینی منطقه آزاد کیش در حوزه توریسم و گردشگری، و متقابلاً وجود جاذبه‌های گردشگری فراوان در منطقه آزاد ارس بهترین توجیه برای تعاملات متقابل در حوزه گردشگری و تبادل و ارتقای توریسم است. همچنین، بخاطر وجود زمینه‌های بازرگانی در هر دو منطقه آزاد، زمینه مناسبی برای تعامل و هم‌افزایی‌های اقتصادی - تجاری متقابل وجود دارد.	توریسم - بازرگانی
قشم - ارس	منطقه آزاد قشم بخاطر موقعیت جغرافیایی خود، در جایگاه خط اصلی بین منطقه آزاد ارس با کشورهای حوزه خلیج فارس است. همچنین بخاطر جهت‌گیری منطقه آزاد قشم در حوزه صنایع وابسته به انرژی و همجواری منطقه آزاد ارس با تأسیسات نفتی جمهوری آذربایجان، فرصت همکاری متقابل بین دو منطقه آزاد در حوزه تولید فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی وجود دارد. در عین حال، در ارتباط با گردشگری تعاملات خوبی را می‌توان در حوزه فعالیت‌های متقابل متصور بود.	توریسم - ارتباط با حوزه خلیج فارس - همکاری در حوزه صنایع مرتبط با انرژی
چابهار - ارس	بخاطر نقش ویژه منطقه آزاد چابهار در حوزه ترانزیت با آسیای مرکزی و دیگر کشورهای پیرامونی و نیز موقعیت ویژه منطقه آزاد ارس برای ارتباط با حوزه CIS و قفقاز جنوبی، با تعاملات متقابل بین دو منطقه آزاد می‌توان بهترین پل ارتباطی بین همسایگان شمال غرب - غرب ایران با همسایگان جنوب شرق - جنوب ایران را ایجاد کرد.	ترانزیت و ایجاد دو چهارراه ارتباطی متصل در ایران
اروند - ارس	برخلاف نوپا بودن هر دو منطقه آزاد، اما بخاطر همسایگی منطقه آزاد اروند با عراق و حوزه خلیج فارس، زمینه‌های خوبی بویژه در ارتباط با حمل و نقل ریلی از مبادی خرمشهر - بندر امام تا جلفا و قفقاز جنوبی و روسیه و بالعکس برای همکاری‌های ترانزیتی متقابل وجود دارد. همچنین، تخصص‌های منطقه آزاد اروند در حوزه تولید انرژی و سایر صنایع مرتبط و نزدیکی منطقه آزاد ارس به تأسیسات نفتی جمهوری آذربایجان، دیگر زمینه مناسب برای تقویت تعاملات متقابل است.	ترانزیت داخلی و خارجی و همکاری در حوزه انرژی
انزلی - ارس	منطقه آزاد انزلی به خاطر موقعیت آن در مسیر ترانزیتی شمال - جنوب، آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی، روسیه و همسایگی با منطقه آزاد ارس، بهترین گزینه برای افزایش ارتباطات ترانزیتی ارس با همسایگان پیرامونی خزر است. همچنین، جاذبه‌های گردشگری متقابل زمینه‌ای است برای تبادل توریسم بین آنها.	ترانزیت کالا از شرق دریای خزر - تبادل توریسم

منبع: طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۷: ۱۱۸

همچنین، از دیگر موارد آثار حمایتی مقیاس ملی

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تمدید معافیت مالیاتی انواع فعالیت‌های اقتصادی در مناطق آزاد برای اشخاص حقیقی - حقوقی از ۱۵ تا ۲۰ سال از اصلی‌ترین مشوق‌های دولت ایران برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است.

- فراکسیون مناطق آزاد در مجلس شورای اسلامی با ۱۵۰ نفر عضو، از بزرگ‌ترین فراکسیون‌های مجلس است که نشان از اهمیت و توجه نمایندگان ملت به موضوع مناطق آزاد دارد (آغاز، ۱۳۸۷: ۲۹).

اثرات منفی مقیاس ملی

نامعاده‌های پیش‌روی مناطق آزاد: از مهمترین اثرات منفی مقیاس ملی نامعادلات پیچیده حاکم بر رشد مناطق آزاد یعنی موتورهای محرک اقتصاد ملی و سکوه‌های برتر صادراتی و در واقع فلسفه وجودی آنها است که اهمیت نامعادلات به طور خاص عبارت است از:

- اگر چه طبق تجربه مناطق آزاد موفق دنیا، یکی از وظایف دولت‌ها در مناطق آزاد، بسترسازی و آماده نمودن زیرساخت‌ها جهت سرمایه‌گذاری است (سعید، ۱۳۸۷: ۲۵)، اما طبق قوانین دولت ایران مناطق آزاد بایستی «خود تحصیل» درآمد نموده و

مناطق آزاد است (دیدهور، ۱۳۸۵: ۱۹۳). مثال مهم آن ساختار دولتی اقتصاد و انحصاری بودن خدمات دولتی است که این حق انحصاری مانع از رقابتی بودن قیمت آنها و در نتیجه باعث افزایش هزینه‌های اقتصادی و تجاری برای فعالان بخش خصوصی است (هنرور صدیقیان، ۱۳۸۷: ۷). همچنین به‌خاطر نقش مسلط دولت در نظام اقتصادی ایران بخش عمده سرمایه‌گذاری‌ها بدون توجه به بخش خصوصی کارآفرین و فرایند ارتقای صنعتی صادرات‌گرا و رقابتی، از طریق شرکت‌های دولتی انجام گیرد که این جریان مانع رشد سطح رقابت در اقتصاد ایران است (طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد ارس: بند ۳، ۱۳۸۷: ۳۷). به‌علاوه، مدیریت غیراقتصادی و متکی بر درآمدهای نفتی حاکم بر ایران باعث کم توجهی دولت در فهم پتانسیل وجودی مناطق آزاد در راستای تحول اقتصادی ایران است.

- توزیع و تخصیص نامتوازن بودجه‌های عمرانی دولتی به مناطق آزاد ایران باعث توزیع نابرابر درآمد ارزی ناشی از فعالیت‌های مختلف اقتصادی در این مناطق بوده است که این موضوع قطعاً مانع از توسعه متوازن و سازماندهی متناسب فضای ملی می‌گردد؛ بنابراین، با نگرش ملی به مناطق آزاد بایستی توزیع بودجه و اعتبارات دولتی در مناطق آزاد برحسب وزن و اهمیت هر یک از آنها، متوازن، بدون تبعیض و نگاه منطقه‌ای صورت پذیرد.

- اگر چه طبق معیارهای بین‌المللی در محاسبه شاخص ریسک (ICRG) جمهوری اسلامی ایران ثبات قابل قبولی دارد، اما به علت فشارها و تحریم‌های خارجی، اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ، وضعیت نابسامان برخی از همسایگان و تبلیغات منفی رسانه‌های بیگانه، تصویر خوبی از این ثبات (امنیت اقتصادی) در ذهن فعالان اقتصادی در مناطق آزاد نقش نبسته است (صلاحی، ۱۳۸۷: ۳۳).

- سازمان سیاسی فضا و توزیع قدرت در ایران:

یکی از پارامترهای اثر بخش مقیاس ملی در کارکرد ضعیف مناطق آزاد، ساختار سازمان سیاسی فضا و

زیرساخت‌های مورد نیاز خود را فراهم آورند (انوار، ۱۳۸۴: ۷۴). در این خصوص، نقش کم رنگ دولت در ایجاد زیرساخت‌ها و واگذار کردن منابع کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های عمرانی و زیربنایی و جاری از مجرای واردات، باعث ناکارایی مناطق آزاد ایران بوده است (دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، ۱۳۸۲: ۲۷). در واقع تأمین این زیرساخت‌ها از وظایف مهم مناطق آزاد بوده است؛ بنابراین، ضعف برخی زیرساخت‌ها باعث شده است تا مناطق آزاد به جای تمرکز در جذب سرمایه و صادرات، در حوزه ایجاد و ارتقای زیرساخت‌ها، آن هم بدون اعتبارات دولتی تمرکز نمایند. به عبارت دیگر توان مدیریتی و اعتبارات مناطق آزاد به‌خاطر فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم، بیشتر صرف ایجاد و ارتقای زیرساخت‌ها می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۷). در صورتی که قطعاً با فراهم بودن زیرساخت‌ها، راه برای ارتقای اقتصادی مناطق آزاد هموار خواهد بود که چنین وضعی را به وضوح می‌توان در مناطق آزاد امارات متحده عربی و ترکیه مشاهده کرد.

- در قانون نحوه اداره مناطق آزاد، ضرورت هماهنگی و همراهی دستگاه‌های دولتی با سازمان منطقه آزاد پیش‌بینی، تأکید و تصریح شده است (انوار، ۱۳۸۴: ۷۴)، اما دخالت عوامل خارج از مناطق آزاد به همراه وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر و موازی میان دستگاه‌های دولتی با مناطق آزاد مجموعاً به ضعف مدیریتی مناطق آزاد ایران منجر شده است. در واقع عدم شناخت دستگاه‌های دولتی از مأموریت مناطق آزاد و ذهنیت غالباً منفی آنها نسبت به این مناطق سبب کارشکنی و عدم همکاری با مناطق آزاد می‌شود و در کل این موضوع به‌عنوان یک تهدید ملی محسوب شده و باعث سلب اختیارات از مناطق آزاد در مدیریت امور داخلی آنها می‌شود. به عبارتی وجود دستگاه‌های هم سطح در تصمیم‌گیری مناطق آزاد باعث می‌شود علت ناکامی‌ها مشخص نگردد (صلاحی، ۱۳۸۷: ۴).

- از دیگر نامعادلات سطح ملی، حاکمیت نظام اقتصاد دولتی در سرزمین ایران و تقابل آن با ماهیت وجودی

در چارچوب عوامل دخیل در طبیعت کارکردی منطقه آزاد ارس الزامی است؛ بنابراین، با این نگرش در این بخش از پژوهش، در مجموع کنش‌های مثبت و منفی فضای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در روند تحولات منطقه آزاد ارس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چرا که مهمترین ویژگی ژئوپلیتیکی منطقه آزاد ارس، همجواری با قفقاز جنوبی است. قفقاز جنوبی حوزه نفوذ جغرافیایی مستقیم منطقه آزاد ارس است و واحدهای سیاسی این حوزه یعنی گرجستان، ارمنستان و آذربایجان کشورهای هدف آن به شمار می‌رود. بر این اساس همسایگی منطقه آزاد ارس با حوزه راهبردی قفقاز جنوبی می‌تواند خالق فرصت‌ها و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مختلفی برای منطقه آزاد ارس باشد.

اثرات مثبت مقیاس منطقه‌ای

- بازارهای هدف منطقه‌ای و نیازهای وارداتی

کشورها: از جمله فرصت‌های خوب مقیاس منطقه‌ای برای منطقه آزاد ارس، وجود بازارهای هدفی است که در همجواری این منطقه قرار دارد. کشورهای ارمنستان، آذربایجان و به‌ویژه جمهوری خودمختار نخجوان و گرجستان از جمله بازارهای هدفی هستند که اقلام وارداتی آنها (تجهیزات و ماشین‌آلات ساختمانی، صنایع انرژی، نساجی، کالاهای کشاورزی، کالاهای صنعتی، ماشین‌آلات تولید فلزی و غیرفلزی، محصولات دخانی، محصولات شیمیایی، صنایع مواد غذایی و غیره) زمینه‌های مناسبی برای رشد و رونق بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات، تولید و صادرات منطقه آزاد ارس فراهم می‌آورد (خلیلی، ۱۳۷۸: ۵۲).

- توان‌های معدنی مقیاس منطقه‌ای: معادن

همجوار در مقیاس منطقه‌ای - فراملی ظرفیت فعالیت اقتصادی منطقه آزاد ارس را بالا می‌برد. این موقعیت باعث می‌شود واحدهای صنعتی فعال در این حوزه اقتصادی برای تأمین مواد اولیه خود کمترین هزینه را پردازند؛ به‌عنوان مثال، معادن مس کاجاران در

قدرت در ایران است؛ بنابراین، در ارتباط با عملکرد مناطق آزاد توجه به ساختار درونی یک دولت از لحاظ تنظیم و تنسيق قدرت، امری مهم شمرده می‌شود. چرا که با توجه به ساختارهای مختلف دولت‌ها، طرز سازماندهی سیاسی فضا، سطح اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری و کارکرد واحدهای فضایی فروملی من جمله مناطق آزاد متفاوت خواهد بود. در این خصوص، در ایران به‌خاطر متمرکز بودن نظام سیاسی، قدرت سیاسی و اجرایی در سطح فضای جغرافیایی توزیع نشده و به همین دلیل واحدهای جغرافیایی متعدد از قدرت سیاسی و اجرایی لازم برخوردار نیستند و هرگونه قبض و بسط قدرت برای نواحی مختلف از جمله مناطق آزاد تابع خواست و اراده دولت مرکزی است.

در صورتی که ماهیت مناطق آزاد ایجاد می‌کند که از مزیت‌های نسبی این مناطق حداکثر استفاده لازم در راستای منافع ملی و محلی به‌عمل آید و فرصت‌های موجود در مقیاس‌های جغرافیایی محلی تا جهانی برای توسعه مناطق آزاد، شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این امر مستلزم تفویض اختیارات محلی نسبتاً گسترده‌ای برای مسئولین مناطق آزاد است. به عبارتی مناطق آزاد بایستی دارای شخصیت حقوقی و تشکیلاتی نسبتاً مستقل باشند و در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین و برنامه‌های کلان دولتی عمل نمایند. با این حال، این موضوع با طبیعت تمرکزطلب نظام سیاسی بسیط مغایرت دارد (قاضی، ۱۳۷۳: ۲۴۱).

تحلیل فضای پیوستگی - مقیاس منطقه‌ای

به‌خاطر ماهیت روابط درون منطقه‌ای اعم از همگرایی و همکاری یا واگرایی و منازعه، مقیاس منطقه‌ای بر وضعیت واحدهای سیاسی - اقتصادی ملی و فروملی تأثیر فراوانی دارد. در این خصوص، به‌دلیل جایگاه ویژه قفقاز جنوبی در افق توسعه اقتصادی منطقه آزاد ارس، شناخت وضعیت و خطوط برجسته سیاسی - جغرافیایی و اقتصادی واحدهای سیاسی قفقاز جنوبی

فراملی بین اعضای این همگرایی در حوزه حمل و نقل، ایجاد ارتباط متقابل و اعتمادسازی، استخراج و انتقال انرژی، جذب سرمایه‌گذاری و رشد صنعت و بازرگانی فراملی باشد.

همسایگی و وابستگی‌های متقابل جغرافیایی و

ژئوپلیتیکی: از جمله مهمترین وابستگی‌های متقابل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران و قفقاز جنوبی، مزیت‌های موقعیت ترانزیتی ایران برای دسترسی و ارتباط این حوزه با آب‌های آزاد و بر عکس موقعیت ترانزیتی این حوزه برای ارتباط ایران با حوزه CIS و اروپاست (ولیکلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۸: ۶). به عبارتی هر دو حوزه مکمل مواصلاتی - ارتباطی هم هستند. همچنین، اشتراکات فرهنگی و تاریخی بخش اعظم قفقاز جنوبی با ایران به‌ویژه فضای پیوستگی - ناحیه‌ای (استان‌های آذربایجان) منطقه آزاد ارس دیگر موضوع مهمی است که بر عمق راهبردی وابستگی‌های متقابل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی متقابل می‌افزاید. قطعاً در چنین وضعیتی، منطقه آزاد ارس به‌خاطر موقعیت محوری خود در محل تماس این دو حوزه مکمل مواصلاتی - ارتباطی - تمدنی پتانسیل آن را دارد که در مقام لولای اتصال این گره‌گاه جغرافیایی - ژئوپلیتیکی نقش‌آفرین شود.

اثرات منفی مقیاس منطقه‌ای

نقش‌آفرینی نامکمل بازیگران منطقه‌ای و

فرامنطقه‌ای: از دلایل اصلی پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی (حوزه نفوذ مستقیم منطقه آزاد ارس و مهمترین بازار هدف ارس) وجود درگیری‌ها و یارگیری‌های متفاوت از طرف بازیگران مختلف این حوزه کاملاً راهبردی است (ولیکلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۸: ۹). در واقع از مسائل خیلی مهمی که این حوزه همواره از آن رنج برده و مانع بزرگی در مقابل حل چالش‌ها و ناامنی سیاسی - اقتصادی - ژئوپلیتیکی آن محسوب می‌شود، ضعف پتانسیل همکاری بین بازیگران مختلف آن است که به جای آن رقابت سنگینی بین آنها برقرار است. موضوع اصلی بحث منفعت طلبی یک‌جانبه بازیگران در این محیط کاملاً

جمهوری ارمنستان و پودر آلمینا در جمهوری آذربایجان از جمله معادن همجوار و خارجی منطقه آزاد ارس هستند.

آثار اقتصادی پیمان‌ها و گروه‌بندی‌های

منطقه‌ای: فروپاشی اتحاد شوروی از مهمترین حوادث

در سطح جهانی در پایان قرن بیستم بود که تأثیرات زیادی در ابعاد سیاسی و اقتصادی در قلمرو این کشور و پیرامون آن داشت. یکی از این تحولات، ایجاد سازمانی متشکل از جمهوری‌های وارث اتحاد شوروی به نام کشورهای CIS بود. اگر چه این اتحاد منطقه‌ای همواره به‌خاطر دلایل سیاسی - ژئوپلیتیکی از ضعف احساس همگرایی به‌ویژه در حوزه سیاسی رنج برده است، با این حال تلاش اخیر روس‌ها برای احیای همگرایی اوراسیایی از طریق بازسازی و وحدت بخشیدن به ساختارهای اقتصادی حوزه CIS افق‌های جدیدی را در مسیر فعالیت‌های اقتصادی - منطقه‌ای این همگرایی گشوده است (ولیکلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۳). از این موقعیت می‌توان با عنوان فرصت ژئواکونومیک استثنایی در همجواری منطقه آزاد ارس و کانال جغرافیایی - راهبردی برای ورود منطقه آزاد ارس در دایره فعالیت‌های اقتصادی منطقه‌ای نام برد.

همچنین، سازمان همکاری‌های اقتصادی دیگر همگرایی منطقه‌ای است که می‌توان در بستر فعالیت‌های اقتصادی آن گام‌های اساسی برای ارتقای سطح کارکردی منطقه آزاد ارس برداشت. اهمیت راهبردی این همگرایی در تعاملات فضایی آن است. چرا که در بین اعضای این همگرایی، مهمترین همسایگان منطقه آزاد ارس (آذربایجان و ترکیه) در موقعیت دروازه ارتباطی این همگرایی با اروپا قرار دارند و این موضوع قطعاً در تحولات منطقه آزاد ارس نقش‌آفرین است. در واقع منطقه آزاد ارس با داشتن تأسیسات گمرکی، انبارداری، ترخیص و حمل و نقل و موقعیت ارتباطی - مواصلاتی چارراهی در محل تلاقی آذربایجان - ایران - ترکیه، دارای پتانسیل استفاده از موقعیت موجود در دل فعالیت‌های اقتصادی سازمان همکاری‌های اقتصادی برای ارتقای همکاری‌های

منطقه آزاد ارس در حوزه قفقاز جنوبی را به نوعی تحت الشعاع قرار دهد (خلیلی، ۱۳۸۷: ۵۳).

چالش دیگر طرح‌های دولت آذربایجان برای ایجاد منطقه آزاد در جمهوری خودمختار نخجوان است. نخجوان در سیر صعودی پیشرفت خود در طی سال‌های اخیر به رشد چشمگیری رسیده است. این جمهوری به خاطر ساختار خوب مدیریت شهری، در حال تهنه تمامی زیرساخت‌ها برای ایجاد منطقه آزاد است. مزیت ویژه این شهر در ایجاد منطقه آزاد وجود زیرساخت‌های مناسب ارتباطی به‌ویژه هوایی، جاذبه‌های توریستم جهانی من جمله وجود غار نمکین و علی‌الخصوص داشتن خودمختاری و توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در چارچوب قلمرو حاکمیت خود است. با این وضعیت، بنا به اذعان کارشناسان ارشد منطقه آزاد ارس اگر نخجوان منطقه آزاد شود، این موضوع باعث تضعیف اهمیت و موقعیت منطقه آزاد ارس و نهایتاً تبدیل آن به مرکز تجاری خواهد بود (رنجبر، ۱۳۸۷: ۶۰).

بازتاب‌های منفی بحران‌های ژئوپلیتیکی حوزه

قفقاز جنوبی: بحران ژئوپلیتیکی یعنی منازعات دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی در جهت کنترل و تصرف ارزش‌های جغرافیایی. این نوع بحران‌ها برخلاف بحران‌های سیاسی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار بوده و به سادگی قابل حل نیستند؛ به عبارتی، دیرپایی از ویژگی‌های آنهاست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در واقع به خاطر طبیعت کاملاً پیچیده بحران‌های ژئوپلیتیکی، آنها از بازتاب‌های گسترده‌ای در ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی، انسانی - اجتماعی برخوردار هستند که این وضعیت در حوزه قفقاز جنوبی در بحران قره‌باغ و بحران استقلال طلبی و واگرایی اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان کاملاً واضح است. مسلماً در چنین وضعیتی با خلق گسل‌های کاملاً لرزان امنیتی - سیاسی، دیگر نمی‌توان به دورنمای آتی همکاری‌های اقتصادی قفقاز جنوبی و حوزه پیرامونی آن دل بست. این موضوع از بزرگترین دردها

بارور و مستعد راهبردی است که مانع از تعامل گروهی بازیگران می‌شود؛ به عبارتی، این حوزه راهبردی در چهارراه تعاملات راهبردی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای واقع شده و همزمان وقوع بحران قره‌باغ و دیگر چالش‌های سیاسی - ژئوپلیتیکی بر عمق این پیچیدگی افزوده است. به گونه‌ای که در یک طرف این چهارراه رقابتی بازیگران منطقه‌ای همچون ایران و ترکیه به خاطر هزینه‌های امنیتی سنگین این وضعیت در پی هموارسازی فضای همکاری [همکاری‌های سیاسی - به‌ویژه اقتصادی که پیش شرط موفقیت عملکردی منطقه آزاد ارس است] و در طرف دیگر قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا و روسیه در پی افزایش ابعاد پیچیده امنیتی این حوزه در راستای ارتقای منافع راهبردی خود در قفقاز جنوبی هستند (ولیکلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۶ و ۱۹۰).

ایجاد مناطق آزاد رقیب در مقیاس منطقه‌ای:

مهمترین چالش‌های بالقوه منطقه آزاد ارس در مقیاس منطقه‌ای، اهتمام کشورهای حوزه قفقاز جنوبی در تأسیس مناطق آزاد تجاری - صنعتی است که با تحقق این موضوع، قطعاً به خاطر پیچیدگی‌های خاص مناسبات سیاسی - اقتصادی بین‌المللی ایران، موقعیت اقتصادی منطقه آزاد ارس تحت الشعاع فعالیت مناطق آزاد رقیب در کشورهای همسایه و هدف قرار خواهد گرفت؛ برای مثال: اخیراً دولت گرجستان با همکاری اماراتی‌ها، با هدف بازسازی اقتصادی گرجستان منطقه آزاد مشترکی را در بندر راهبردی پوتی تأسیس و دورنمای ایجاد این منطقه آزاد را ایجاد دومی یا سنگاپور قفقاز جنوبی اعلام کرده است (ارس، ۱۳۸۷: ۲۵). در واقع برخلاف ناامنی اقتصادی گرجستان به دلیل چالش‌های ژئوپلیتیکی برای جلب فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی، بخاطر جایگاه ویژه تعریف شده برای این منطقه آزاد به‌عنوان الگوی صنعتی جهت بازسازی اقتصادی گرجستان، پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی رونق فعالیت‌های اقتصادی آن اهداف اصلی و مأموریت‌های فراملی

می‌سازد، غفلت ایران یا تلاش‌های ناموفق آن برای مشارکت در طرح‌های اقتصادی کلان این حوزه همچون خطوط انتقال منابع انرژی و خطوط ارتباطی - مواصلاتی (همچون خط آهن ب.ت.ق) است که در این زمینه برخلاف ایران، ترکیه مهمترین رقیب ایران در این حوزه راهبردی همزمان با تسخیر بازارهای اقتصادی آن، به‌خاطر موقعیت سیاسی، جغرافیایی، قومی و اقتصادی خود موفقیت‌های زیادی به‌دست آورده است. موفقیت‌هایی که قطعاً در سال‌های آتی زمینه را کاملاً برای نفوذ موفق مناطق آزاد ترکیه (رقیبان سخت منطقه آزاد ارس) و به‌ویژه ایجاد مناطق آزاد مشترک در این حوزه راهبردی آسان خواهد نمود.

تحلیل فضای پیوستگی - مقیاس جهانی

یکپارچگی اقتصاد جهانی، واقعیتی است انکارناپذیر که در حال شکل‌گیری کامل است. در حال حاضر تنها بخش‌های معینی از جهان به‌ویژه به‌خاطر دلایل سیاسی، در خارج از چرخه اقتصاد یکپارچه جهانی قرار دارند. اگر چه این کشورها هم پذیرفته‌اند که دستیابی به رشد اقتصاد ملی مستلزم تعاملات قوی با اقتصاد جهانی است. چرا که از دید رویکرد تحلیل نظام‌های جهانی، تغییرات اجتماعی در هر مقیاسی را بایستی در بافت یک نظام جامع جهانی درک کرد (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۶۸). این رویکرد ارائه‌گر یک دورنمای جغرافیایی - سیاسی در درون بافت وسیع‌تری از اقتصاد سیاسی است. دورنمایی که ما را از نگرش دولت محوری دور ساخته و به طرف پویایی اقتصاد سیاسی در مقیاس جهانی یعنی اقتصاد جهانی سوق داده است که در این سطح از اقتصاد سیاسی، حوادث مهم شکل دهنده ساختار زندگی انسان‌ها در درون مکان‌ها و داخل ایدئولوژی دولت - ملت در دل فرایند جهانی‌شدن در مقیاس جهانی روی می‌دهند.

در این بین، جهانی‌شدن اقتصاد، آثار متفاوتی برای کشورهای جهان دربر داشته است. در واقع علاوه بر تأثیر عمومی جهانی‌شدن بر اقتصاد، متناسب با ویژگی‌های ساختاری و ساختار اقتصادی هر یک از

و موانع ارتقای فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد ارس در حوزه قفقاز جنوبی است.

در این بین، به‌خصوص همزمان با شروع بحران قره‌باغ و تداوم آن در قفقاز جنوبی، فعالیت مهم‌ترین خط مواصلاتی ریلی یعنی راه آهن جلفا - مسکو کارایی و اثربخشی ترانزیتی خود در مقیاس فراملی را به طور کامل از دست داده است. در واقع بحران قره‌باغ سبب بسته شدن کامل این راه ریلی کاملاً حیاتی برای ایران، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، و روسیه گردیده و در حال حاضر تمام کشورها از تعطیلی این خط آهن متضرر هستند. به‌ویژه در این میان تعطیلی خط آهن در مسیر ارمنستان، کارکرد فراملی منطقه آزاد ارس را با سلب موقعیت نسبی جغرافیایی منطقه آزاد ارس در دسترسی به دریاها (دریای سیاه)، تضعیف موقعیت ترانزیتی آن و فرار سرمایه‌های ملی - خارجی (امنیت و ثبات پیش‌شرط اصلی فعالیت اقتصادی است) کاملاً تحت‌الشعاع قرار داده است.

نقش ضعیف ایران در معادلات ژئواکونومیکی

قفقاز جنوبی: از مهمترین چالش‌های کارکردی منطقه آزاد ارس در سطح قفقاز جنوبی، نقش ضعیف ایران در معادلات ژئواکونومیکی این حوزه کاملاً راهبردی است. در واقع اگر چه پتانسیل‌های اقتصادی ایران و ضعف اقتصادی این حوزه و موقعیت محصور آن در خشکی کوچک‌ترین بهانه برای برقراری روابط از نوع همکاری‌های گسترده تجاری - اقتصادی است، اما تحلیل ماهیت مناسبات بازرگانی ایران با حوزه حاکی از این است که روند جاری به لحاظ منطق ژئواکونومیکی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست. اگر چه از دید ایران قفقاز جنوبی راهبردی‌ترین بخش حوزه CIS و به عبارتی راهبردی‌ترین دوره ارتباطی - مواصلاتی ایران با CIS است. در این بخش، محاسبات کلی مناسبات اقتصادی ایران نشان از آن دارد که ویژگی اصلی این مناسبات روند کاملاً صعودی واردات ایران از این حوزه راهبردی است. در چنین وضعیت نامناسبی، اتفاق مهم دیگری که ایران را کاملاً از معادلات ژئواکونومیکی این حوزه راهبردی دور

بدین ترتیب ساخت جغرافیایی منطقه آزاد ارس را نمی‌توان صرفاً با تحلیل متن یا بافت محلی آن به طور کامل درک نمود؛ چرا که روابط و فرآیندهای بیرونی نظام جغرافیایی آن را شکل می‌دهند و در این بین بیرونی‌ترین ارتباط و بزرگ‌ترین مقیاس جغرافیایی همانا اثرات اقتصاد جهانی است. در واقع با توجه به وضعیت کلی ساختار اقتصادی ایران و قرارگیری آن در ساختار فضایی نیمه‌پیرامون اقتصاد جهانی، قطعاً یکی از ابزارهایی بالقوه برای ایجاد تحول در این مناطق ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی است. این مناطق دارای پتانسیل ایفای نقش فعال‌تر در صحنه مبادلات تجاری و صنعتی به‌ویژه در عرصه اقتصاد جهانی هستند و می‌توان از آنها با عنوان پلی برای پیوند با اقتصاد جهانی و به‌ویژه عضویت در سازمان تجارت جهانی یاد کرد. سازمانی که اعضای آن برای پیوند با اقتصاد جهانی در پی برداشتن تعرفه‌ها، تبعیض‌ها، ترجیحات و دیگر موانع تجاری هستند تا ضمن آزادسازی‌های لازم در بستر اقتصاد جهانی، با ارتقا و نظام‌دهی تجارت فیما بین، زمینه را برای رشد اقتصادی و افزایش رفاه مردم خود فراهم آورند.

کشورها، شاهد پیامدهای ویژه‌ای همچون بروز رقابت شدید در سطح جهانی، افزایش و بهبود تولید، تخصصی شدن امور، نوآوری مداوم و افزایش بهره‌وری، کاهش قیمت‌ها، انتقال تکنولوژی، توسعه بازارهای مالی از طرف جهانی‌شدن هستیم. در عین حال، جهانی‌شدن و ظهور اقتصاد جهانی محتمل هزینه‌های سنگینی چون ایجاد نابرابری و تعمیق شکاف‌های فضایی، بروز بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای یا جهانی در اثر وابستگی متقابل کشورها در سطح جهانی، سرپوش نهادن بر ناکارایی‌های سیاست ملی، افزایش بیکاری و دفع کنترل اقتصاد ملی است که هر کدام دارای توان ایجاد انواع مختلف منازعات در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی هستند.

بنابراین، با توجه به هزینه‌های محتمل، غالباً دولت‌های در حال توسعه به‌خاطر محدودیت عمل در آزادسازی‌های گسترده در قلمرو اصلی، برای همراه شدن با جریان اقتصاد جهانی و بهره‌مندی از پیامدهای مثبت آن، مناطقی از کشور را با نام «مناطق آزاد تجاری - صنعتی» از قوانین سخت سرزمین اصلی جدا کرده و در این مناطق با ارائه تسهیلات مناسب برای جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، با هدف تولید برای صادرات تلاش می‌کنند (کمالی‌اردکانی، ۱۳۸۸: ۵۲).

جدول ۶. الزامات فضای اقتصاد جهانی جهانی‌شدن در ایجاد مناطق آزاد به‌ویژه منطقه آزاد ارس

استفاده از نیروی کار ارزان برای تولید کالاهای کاربر و به‌ویژه به کارگیری زنان در کارگاههای تولیدی.
جایگزین شدن سرمایه با نیروی کار در فرآیند نوین تولیدی و بنابراین کاهش نقش اشتغال‌زایی مناطق و اهمیت یافتن مهارت‌ها، تخصص و سرمایه انسانی و کیفیت نیروی کار.
برخورداری از زیربنای مدرن به منزله شرط اصلی اقتصادی بودن و رقابتی شدن فعالیت این مناطق در منظومه‌های تولید و تجارت بین‌الملل.
اهمیت یافتن نقش هزینه‌های حمل و نقل و موقعیت مناطق آزاد به‌منظور دسترسی به بازارهای وسیع‌تر در شرایط رقابت شدید در بازارهای بین‌المللی.
کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت و جریان آزادسازی در جهان.
اهمیت یافتن نقش کاربری‌های متنوع در مناطق آزاد برای تحقق صرفه‌های ناشی از تکثیر فعالیت‌ها و ایجاد جاذبه‌های سرمایه‌گذاری.
افزایش نقش و سهم خدمات در تولید و تجارت جهانی و در نتیجه فراهم شدن امکان شکل‌گیری پایگاههای خدماتی به منزله فعالیت مسلط در مناطق آزاد.
گرایش به خصوصی شدن مدیریت و شکل‌گیری مناطق آزاد غیر دولتی.
گسترش حوزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در این مناطق به فعالیت‌های زیربنایی، گردشگری و خدماتی به موازات سرمایه‌گذاری‌های صنعتی.
گرایش به جریان ادغام مناطق آزاد در زنجیره‌ها و خوشه‌های صنعتی - تولیدی ملی و بین‌المللی.
گسترش تجارت خدمات از جمله خدمات مخابرات، مالی (بانکداری، بیمه و بورس)، بازرگانی (شامل خدمات حرفه ای، حقوقی، حسابداری و غیره)، حمل و نقل، آموزش، محیط زیست، بهداشت، توریسم، تفریحی، بهداشتی، اجتماعی و مهندسی.
ایجاد اشتغال.
جلوگیری از مهاجرت گسترده نیروی ماهر انسانی.
تولید ثروت ملی و اثرگذاری مستقیم این ثروت ملی در افزایش قدرت مردم.
موتور و نیروی محرکه اقتصاد کشور.

منبع: طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۷: ۱۴۶

نتیجه گیری

طبق مباحث این پژوهش، ساختار فضایی منطقه آزاد ارس محصول ارتباط متقابل بین کنش‌های فضایی در سطوح مختلف فضایی است؛ بنابراین، بایستی منطقه آزاد ارس و جایگاه اقتصادی و تجاری ویژه آن در بستر روابط فضایی وسیع‌تری بررسی کرد تا به تحلیل جامع از شرایط، ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های آن دست یافت. چنین تحلیل دقیقی مستلزم استفاده از مقیاس‌های فضایی با نگرش سیستمی است تا نقش مقیاس‌های متداخل در ساخت‌یابی، آرایش فضایی و تحول جغرافیایی منطقه آزاد ارس مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت چنین تحلیل جامع آن است که نهاد سرزمینی - رسمی منطقه آزاد ارس با مقیاس‌های فضایی مختلفی همپوشی دارد و در نتیجه از نقش‌آفرینی مقیاس‌های متعدد با کارکرد مثبت و منفی متأثر می‌گردد.

بر این اساس تحولات منطقه آزاد ارس غیر از مقیاس محلی، محصول کنش‌های مقیاس‌های ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. طبق این رویکرد، تحلیل جریان‌ها و کارکردهای منطقه آزاد ارس در مقیاس محدود محلی (فضای وابستگی) احتمالاً «سازمان‌بندی مکانی» آن را بازنمایی کند، اما چنین ادراکی اصولاً به‌خاطر ارتباط بین ساخت فضایی منطقه آزاد ارس با تأثیرات مقیاس‌های فضایی دیگر نمی‌تواند نمایانگر «سازمان‌بندی فضایی» آن باشد. طبق نتایج این پژوهش، مقیاس ناحیه‌ای شمال غرب ایران به‌ویژه فضای پیوستگی استان آذربایجان شرقی، به‌رغم وجود برخی از تنگناها با عنوان پسرانه برتر خدماتی، اداری، صنعتی، کشاورزی، معدنی و ارتباطی منطقه آزاد ارس از توان‌ها و قابلیت‌های قابل توجهی در سازمان‌بندی فضایی آن برخوردار است. به عبارتی ساخت فضایی منطقه آزاد ارس در ساختار فضای سرزمینی، اقتصاد ناحیه‌ای، سلسله مراتب شهری و تحولات سیاسی - اجتماعی ناحیه آذربایجان از معنا و مفهوم واقعی برخوردار است. همچنان که در اسناد و طرح‌های مصوب و فرادست استانی جایگاه ویژه‌ای برای آن در

ایجاد مناطق آزاد بی‌تردید همسو با گرایش‌های جهانی بوده و این راهبرد کشورهایی را که تاکنون به جامعه اقتصادی جهانی نپیوسته‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج با فراهم آوردن ملزومات پیوستن به اقتصاد جهانی، زمینه را برای ورود به این عرصه آماده سازند (طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد ارس، ۱۳۸۷: ۶۶). در واقع مناطق آزاد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، همواره به‌عنوان اهرمی برای ورود به نظام اقتصاد آزاد و تسهیل قوانین و مقررات و بوروکراسی دست و پاگیر اقتصاد داخلی طراحی شده‌اند تا هدف سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را که همانا به دست آوردن سهمی از بازارهای جهانی است دنبال کنند؛ بنابراین، انتظار می‌رود منطقه آزاد ارس هم به‌عنوان پایلوت و نمونه‌ای از آزادسازی تجاری - صنعتی و مالی و برخوردار از امتیازات اداری و قانونی، به تدریج و در مراحل مختلف، بخشی از اقتصاد ملی ایران را به اقتصاد جهانی پیوند دهد (کمالی اردکانی، ۱۳۸۸: ۵۲). چرا که ایران با موقعیت ویژه جغرافیایی - اقتصادی خود کشوری جهانی است و بایستی نقش جهانی ایفا نماید و در صورت غفلت، این نقش به دیگر دولت‌های پیرامونی محول خواهد شد؛ بنابراین، می‌توان از منطقه آزاد ارس همراه با دیگر مناطق آزاد ایران به‌عنوان ابزاری مؤثر برای بسترسازی جهت حضور موفق در بازار اقتصادی جهانی به‌ویژه ورود در سازمان تجارت جهانی بهره برد. با این توصیف بازتاب مورد انتظار مناطق آزاد دگرگونی تدریجی در کارکرد این مناطق و تبدیل آنها از حوزه‌های جغرافیایی بسته و حراست شده «الگوی محصور مناطق آزاد» به سمت پذیرفتن نقش واسطه‌ای آنها در ایجاد ارتباط و ادغام اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی «الگوی غیر محصور مناطق آزاد» است. به‌طور مسلم، رونق بخشیدن به مناطق آزاد می‌تواند راهگشای ورود آسان‌تر به سازمان تجارت جهانی باشد؛ بنابراین، با استفاده از این مناطق به‌عنوان حلقه آغازین عضویت در این سازمان انتظار می‌رود که این امر بتواند راهگشای ورود ایران در سازمان تجارت جهانی باشد.

کروی با توجه به وزن و اهمیت خود و با نقش آفرینی متفاوت و حتى متضاد ساخت فضایی منطقه آزاد ارس را شکل می‌دهند. طوری که کنش‌های برخی از مقیاس‌های فضایی، حوزه نفوذ جغرافیایی - اقتصادی منطقه آزاد ارس را کاملاً تحت الشعاع قرار داده و آینده اقتصادی آن را عمیقاً در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد. با این حال، مسلم است که نقش اقتصادی و کارکرد محلی، ناحیه‌ای، ملی و فراملی منطقه آزاد ارس به‌واسطه فرصت‌ها و مزایای نسبی (درونی) و رقابتی (بیرونی) منشعب از تمام مقیاس‌ها تقویت و در مقابل، از تنگناهای ناشی از عوامل درونی و بیرونی تضعیف می‌گردد. در واقع هیچ یک از سطوح فضایی صرفاً دارای کنش‌های مثبت نبوده و در کنار آن محدودیت‌هایی هم از جانب تمام سطوح فضایی دیده می‌شود که در بین آنها آثار منفی تنگناهای مقیاس منطقه‌ای بارزتر است.

تشکر و قدردانی

این پژوهش با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه تهران (شماره طرح: ۲۸۰۹۷/۱/۱) به انجام رسیده است که بدین وسیله از حمایت‌های مالی آن معاونت محترم قدردانی می‌شود.

منابع

ارس (۱۳۸۷). تولد دومی جدید در حاشیه دریای سیاه، ماهنامه داخلی سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، سال اول، شماره ۴، ص ۲۵-۲۶.

آغاز (۱۳۸۷)، اخبار مناطق آزاد، ماهنامه ویژه مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی، سال دوم، شماره ۱۰، صص ۲۱-۳۳.

اکبرزاده، علی (۱۳۷۲). صنعت و معدن، مجموعه مقالات سمینار آذربایجان و توسعه، جلد دوم، تبریز: انتشارات استانداری آذربایجان شرقی.

انوار، سیدفخرالدین (۱۳۸۴). قشم و تجربیات توسعه (کتاب دوم گفته‌ها)، قشم: انتشارات سازمان منطقه آزاد قشم.

جونز، مارتین، جونز، رایس و وودز، مایکل (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

ارتقای اقتصادی - اجتماعی آذربایجان در نظر گرفته شده و از آن با عنوان سکوی صادراتی ناحیه آذربایجان (شرقی، غربی و اردبیل) یاد می‌شود.

طبق نتایج این پژوهش، ظاهراً مقیاس منطقه‌ای (فراملی) مغفول در مقیاس‌های تیلور نقش ویژه‌ای در کارکرد منطقه آزاد ارس دارد. در واقع برخلاف موقعیت مکمل جغرافیایی - اقتصادی محتمل بین ایران و قفقاز جنوبی (مقیاس منطقه‌ای تحت نفوذ منطقه آزاد ارس) و جایگاه حساس منطقه آزاد ارس در گرانیگاه این دو حوزه ژئواکونومیک، اهمیت مزایا و فرصت‌های نسبی و داخلی منطقه آزاد ارس در مقیاس‌های محلی، ناحیه‌ای و ملی و حتی مزایای رقابتی و بیرونی آن در مقیاس‌های منطقه‌ای و جهانی کاملاً تحت الشعاع موقعیت و وضعیت قفقاز جنوبی است. به عبارتی شرایط نامطلوب این حوزه خارج از حوزه اختیارات مسئولین محلی و ملی است و به سادگی مثل مشکلات مقیاس‌های داخلی قابل حل و فصل نیست. این بدین معنی است که تصویر مبهم از عملکرد ناموفق، جزیره‌ای، بخشی و در مجموع معضلات ملهم از مقیاس‌های درون کشوری را می‌توان با تدابیر ملی تا حدود زیادی مرتفع نمود، اما قطعاً نمی‌توان از ژئوپلیتیک منفی حوزه پیرامونی منطقه آزاد ارس تصویری مطلوب در نزد فعالان اقتصادی خارجی ارائه داد. این موضوع قطعاً سبب پسروی و انقباض در قلمرو نفوذ اقتصادی منطقه آزاد می‌شود و آن را با ماهیت کارکرد صرفاً داخلی - که در تضاد با فلسفه وجودی مناطق آزاد با کارکرد فراملی و بین‌المللی است - روبه‌رو می‌سازد.

در مجموع، طبق نتایج این پژوهش می‌توان چنین گفت که مقیاس‌های جغرافیایی به هیچ وجه ایستا نیستند. آنها به دلیل روابط درونی تعاملی، اثرات متقابلی مثبت و منفی بر روی هم دارند. طوری که در ساخت فضایی پیچیده منطقه آزاد ارس هم شاهد اثرات متقابل مقیاس‌های جغرافیایی داخلی (محلی، ناحیه‌ای، ملی) و خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) هستیم که همه این سطوح به همراه مقیاس وسیع‌تر

میرحیدر، درّه و ذکی، یاشار (۱۳۸۹). مفهوم مقیاس جغرافیایی و اهمیت آن در جغرافیای سیاسی پست مدرن، تهران: فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۷.

نقی‌زاده، گلی (۱۳۸۸). روایتی از یک نامعاده، تهران: مجله آغاز، شماره ۱۳.

هاشمی، سید احمد (۱۳۷۲)، نقش معادن در توسعه آذربایجان، مجموعه مقالات سمینار آذربایجان و توسعه، (جلد دوم)، تبریز: انتشارات استانداری آذربایجان شرقی.

هنرور صدیقین، حسین (۱۳۸۷)، شرایط مناطق آزاد ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تهران: مجله آغاز، شماره ۱۰.

ولیعقلی‌زاده، علی (۱۳۸۸)، بررسی و مطالعه جایگاه و مزیت اقتصادی ایران برای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و نیازهای عمده آن (طرح پژوهشی)، جلفا: سازمان منطقه آزاد ارس.

ولیعقلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). نگاه اجمالی به همگرایی‌های جدید در اوراسیای مرکزی و چالش‌های احتمالی ایران، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۷۶، صص ۱۲۵ - ۱۴۴.

ولیعقلی‌زاده، علی (۱۳۹۱)، الگویابی بحران‌های ژئوپلیتیکی (مورد: قره‌باغ)، رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.

ولیعقلی‌زاده، علی و ذکی، یاشار (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئوآکونومیکی ایران برای کشورهای CIS، تهران: فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱۳.

Cox, K.R., 1998, 'Spaces of Dependence, Spaces of Engagement and the Politics of Scale, or: Looking for Local Politics', Political Geography, Vol. 17, No. 1, pp. 1-23.

Gregory, D., 1990, 'Scale', in R. Johnston & Others (eds.), the Dictionary of Human Geography, U.K: Blackwell.

Hewitt, R., 2008 'scale', in J. Agnew and K.J. Mitchell and G.Toil (eds.) A Companion to Political Geography, U.K: Blackwell.

Howitt, R., 2002, 'Scale and the Other: Levin as and Geography', Geoforum, No.33, pp. 299-313.

Jones, K.T., 1998 'Scale as Epistemology', Political Geography, Vol. 17, No. 1, pp. 25-28.

Jones, M. and Jones, R. and Woods, M. (2004) an Introduction to Political Geography: Space, Place and Politics, London & NewYork: Routledge.

Massey, D., 1994, Space, Place and Gender, Cambridge: Polity Press.

Matthews, J.A. and Herbert, D.T., 2004, Unifying Geography: Common Heritage, Shared Future, London & NewYork: Routledge.

Taylor, P.J., 2005, 'A Materialist Framework for Political Geography', in K. Cox (ed.) Political Geography Critical Concepts in the Social Sciences (Volume I), London & NewYork: Rutledge.

خلیلی، عبدالرسول (۱۳۸۷). اهداف راهبردی مناطق آزاد و حرکت به سوی آینده، تهران: آغاز، ش ۴.

دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران (۱۳۸۲). برنامه توسعه مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران.

دیده‌ور، بهرام (۱۳۸۵). مناطق آزاد تجاری: ایران و ترکیه، تهران: مجله اقتصاد سیاسی، ش ۱۳، ۳۲-۳۷.

دیرنگ، فرهاد (۱۳۸۸). با منطقه آزاد ارس چه می‌کنیم، جلفا: مجله ارس، شماره ۱۱، ص ۲.

ذکی، یاشار (۱۳۸۸)، تحلیل تأثیرات متقابل مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی در جغرافیای سیاسی: مطالعه موردی منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران.

رلف، ادوارد (۱۳۹۰). مکان و حس لامکانی، ترجمه جلال تبریزی، تهران: مترجم.

رنجبر، عباس (۱۳۸۷). بلاتکلیفی در تعیین محدوده، اصلی‌ترین مشکل ماست (بخش دوم)، تهران: مجله آغاز، شماره ۵، صص ۷-۹.

سعید، محمد (۱۳۸۷)، نامگذاری یک منطقه به‌عنوان آزاد، گره-گشای مشکلات نیست، تهران: مجله آغاز، شماره ۴، صص ۲۲-۲۵.

شاکری، عباس و سلیمی، فریدون (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد چابهار و اولویت‌بندی آنها با استفاده از تکنیک ریاضی AHP، تهران: مجله پژوهشنامه اقتصادی.

صلاحی، محمود (۱۳۸۷). فرصت‌سازان اقتصادی فرصت‌یابی کنند، تهران: مجله آغاز، شماره ۱۰.

قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۸)، الزامات سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر عملکرد مناطق آزاد تجاری کشور، تهران، مجله آغاز، شماره ۱۴، ص ۵.

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران - الف (۱۳۸۷). طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، کلیات، شناخت کلی (بند ۳)، جلفا: سازمان منطقه آزاد ارس.

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران - ج (۱۳۸۷). طرح تدوین سند راهبردی توسعه منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، شناخت وضعیت اقتصادی، اجتماعی، کالبدی منطقه آزاد ارس (بند ۵)، جلفا: سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس.

میرحیدر، درّه (۱۳۸۶). مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.